هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

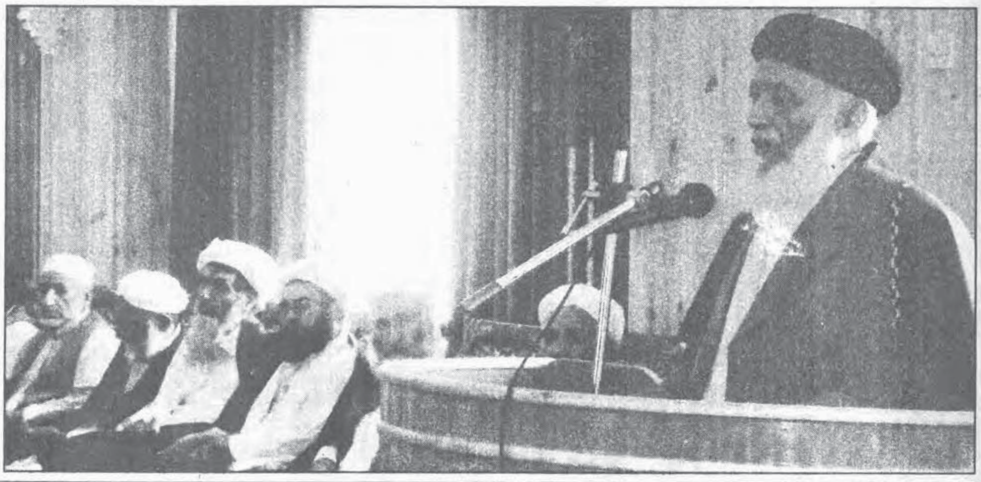
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سیزدهم ٢٦ سرطان ١٣٨٩ ٥ شعبان المعظم ١٤٣١ – 17 july 2010

سرمقاله
جمعیت اسلامی و گام های استوار برای سازماندهی ص٢

دیدگاه اسلام نسبت به حقوق سیاسی انسان ص۶

گزارشی از سفر رهبر به هرات



استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان با هیأت همراه شان، در یک سفر چهار روزه به دعوت امیر اسماعیل خان وزیر انرژی وآب، به ولایت هرات باستان رفته بودند و با اقشار مختلف مردم آن دیار ملاقات داشتند و از جاهای تاریخی آن بازدید بعمل آوردند، که گزارش این سفر ارزشناک خدمت خوانندگان محترم تقدیم است. صفحهٔ ٣

کنفرانس کابل و پیشنهادهایی دولت افغانستان
ص ٢

د دارالانشاء رئیس:

د جمعیت ونډه، نه د جمعیت بلکې د دولت په ګټه ده!

د افغانستان د اسلامی جمعیت د دارالانشاء رئیس (محمد نسیم فقیري) چې د جمعیت د لاربشود او د سیاسی چارو د رئیس (عبدالستار مراد) سره یوځای د امیر محمد اسماعیل خان په بلنه او ملتیا د هرات ولایت ته تللی و، د دوشنبی په سهار (د سرطان ٢١ مه) په هغه درنه غونډه کی خبری وکړی کوم چی د جمعیت د لاربشود د بشه راغلاست لپاره د امیرمحمد اسماعیل خان په کور کی جوړ شوی وه. ۶ مخ



از استراتژی مک کریستال تا تاکتیک های پتریوس

رئیس جمهور کرزی بعد از مشوره با مشاورین نظامی و امنیتی خویش سرانجام به طرح پیشنهادی جنرال پتریوس برای ایجاد نیروهای شبه نظامی برای مقابله با شورشیان در مناطق ناامن موافقت کرد. به نظر می رسد که ناتو با اینهمه سازوبرگ نظامی و حدود دوصد هزار سرباز، از جنگ علیه طالبان عاجز آمده و اکنون به تجربهٔ ناکام شوروی ها در افغانستان رو آورده است.

واقعاً این کار می تواند گره از مشکل ناامنی ها در افغانستان بگشاید؟

آیا این کار با استراتژی اوباما که در آن شکار قلب های مردم افغانستان در صدر اولویت ها قرار داشت، همخوانی دارد؟

آیا چنین کاری به معنی تضعیف اردو و پولیس ملی نیست؟

اشخاص نزدیک به ارگ ریاست جمهوری می گویند که پتریوس در ملاقاتی با رئیس جمهور کرزی موضوع به میان آوردن نیروی ملیشه را برای مقابله با طالبان مطرح کرد اما با مخالفت شدید رئیس جمهور مواجه شد. رئیس جمهور به صراحت گفت که این کار قبلا در افغانستان تجربه شده و نتیجهٔ مطلوب از آن به دست نیامده است.

بدون شک رئیس جمهوربه این حقیقت توجه دارد که ملیشه های دوران حکومت داکتر نجیب با تغییر وفاداری داکتر نجیب را به دام انداختند و به صورت غیرمستقیم در کشتن وی سهم داشتند.

ملیشه های آن دوران بر بنیاد قومیت انتخاب می شدند و فرمانده شان از همان قوم می بود. مثلا شخصی ادعا می کرد که یک هزار نفر جوان از قوم وی آمادهٔ پیوستن به نیروی ملیشه اند. حکومت همین شخص را به فرماندهی این گروه می گماشت و معاش و امکانات آنان را فراهم می کرد. این گونه گروه ها، رابطهٔ بسیار ضعیفی با وزارت دفاع داشتند.

سوال رئیس جمهور کرزی از پترائوس این بود که رابطهٔ این نیروی که باید وظیفهٔ پولیس را انجام دهد با وزارت داخله چگونه خواهد بود؟ جواب پترائوس این بود ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

جمعیت اسلامی

و گام های استوار برای سازماندهی

جریان دریافت مجوز دو باره و جدید برای فعالیت های سیاسی ـ فکری جمعیت اسلامی به مراحل نهایی رسیده و رهبری جمعیت در تدارک آمادگی ها برای برگزاری کنگرهٔ آن است.

اگر احزابی از نبود تعداد کافی اعضا و نداشتن ساحهٔ کار و دسترسی به ولایات و ولسوالی ها و عضوگیری در آن جاها با مشکلات و موانع روبرو اند و از پشتوانهٔ مردمی بی بهره، مشکل جمعیت اسلامی ناشی از زیادی تعداد اعضا و گسترش و وسعت ساحهٔ نفوذ و کار آن است.

جمعیت اسلامی حزبی نیست که محصول سال های پس از انتقال قدرت و دموکراسی امروز باشد، جمعیت اسلامی در دوران سلطنت ایجاد شد و به فعالیت های فکری و سیاسی پرداخت، کودتای ۲٦ سرطان ۱۳۵۲ موانع و دشواری های زیادی را فرا راه جمعیت قرار داد و اکثر شخصیت های بلند پایهٔ آن به زندان افکنده سدند و تعدادی هم مجبور به مهاجرت گردیدند. چند تن از بزرگان جمعیت (انجنیر حبیب الرحمن، مولوی حبیب الرحمن، داکتر محمد عمر و خواجه عبدالمحفوظ منصور) در زندان داوودخان شهید شدند و صدها تن دیگر در زندان های رژیم های کمونستی به شهادت رسیدند!

در محیط مهاجرت، اختلاف و انشعاب دامنگیر جمعیت شد و وضع خاص دوران جهاد، کمتر اجازه می داد که کار منظم تشکیلاتی و حزبی صورت گیرد. در آن دوران، به کار نظامی و دفاع از عقیده، ناموس و کشور در برابر ستم و استبداد رژیم کمونستی و تهاجم عریان نظامی و لشکرکشی ابر قدرت جهانخوار سرخ، بیشتر توجه داده می شد و اولویت داشت. همه فکرها و ذهن ها و توان ها و استعدادها مشغول امر جهاد مقدس و شکوهمند بود.

حتی بعضی ها کار فشردهٔ تشکیلاتی و حزبی را مانع پیوستن توده های مردم به جمعیت می دانستند و امر بسیج مردم و رهبری و کمال جبهات جهادی مقدم بر هر کار دیگر بود... در دوران حکومت مجاهدین باز هم جز تعدادی انگشت شمار،به کار حکومتداری مشغول شدند و به امر تشکیلات حزبی توجه جدی مبذول نگردید... در دوران مقاومت به صورت پراگنده فعالیت های تشکیلاتی وجود داشت ولی هرگز منظم و پایدار نگردید ... پس از انتقال قدرت، فرصت مناسبی دست یافت تا به امر سازماندهی مجدد پرداخته شود ولی بازهم تعداد زیادی از بزرگان جمعیت به حکومت توجه کردند و از ضرورت همبستگی تشکیلات وحتی داشتن تشکیلات منظم و مقتدر، غفلت نمودند و به آن کم بها دادند!

گذشته ها گذشت و ما امروز مصمم هستیم که کار تشکیلاتی و سازماندهی را به پایهٔ اکمال برسانیم.

جمعیت اسلامی افغانستان در مطابقت به احکام قانون اساسی و قانون احزاب سیاسی از مرحلهٔ ثبت و راجستر دو باره، عبور می نماید و با به دست آوردن مجوز تازه به کار تشکیلاتی، سرعت می بخشد.

همه اعضای جمعیت دراین کار بزرگ، مقام رهبری و شورای مؤقت رهبری جمعیت را یاری می نمایند.

کنفرانس کابل

و پیشنهاد های دولت افغانستان

از سال ۲۰۰۱ تاکنون هفت کنفرانس بین المللی در مورد افغانستان در کشورهای مختلف دایر گردیده که نخستین آن کنفرانس بن و آخرین آن کنفرانس لندن بود. اکنون قرار است روز سه شنبه ۲۹ سرطان برای نخستین بار کنفرانسی در کابل در مورد افغانستان دایر گردد.

ویژه گی نخست این کنفرانس اینست که برای نخستین بار کابل میزبانی یک کنفرانس بزرگ بین المللی است که در آن نمایندگان بیش از هفتاد کشور و نهاد بین المللی شرکت خواهند داشت. قرار است چهل وزیر خارجه و پانزده معاون وزیر خارجه و تعداد دیگری از نمایندگان سازمان های مهم بین المللی از جمله بان کیمون سرمنشی سازمان ملل متحد در این نشست شرکت نمایند.

گردانندگان این کنفرانس در افغانستان فرق دیگری را نیز تذکر داده اند؛ هفت کنفرانس قبلی بیشتر بر بنیاد ضرورت کشورهای خارجی کمک دهنده به افغانستان دایر شده بود اما کنفرانس کابل بیشتر بر ضرورت ها و اولویت های دولت افغانستان تمرکز دارد.

از سخنان دست اندرکاران این کنفرانس چنین پیداست که این کنفرانس بر جستجوی راه های موثر برای خودکفائی افغانستان تمرکز دارد.

گفته می شود که وقتی در کنفرانس لندن این خواست حکومت افغانستان مطرح شد، کشورهای شرکت کننده وعده دادند که در صورتی که دولت افغانستان یک طرح جامع برای رسیدن به خود کفائی طرح نماید، آن ها حاضر اند برای رسیدن به این هدف حکومت افغانستان را یاری دهند.

برای ساختن چنین برنامه ای ابتکاراتی روی دست گرفته شد که از آن جمله جلسات کابینه در شهر های بامیان و هرات بود. اینکه چرا باید جلسات به صورت غیرمعمول در شهر های دیگر صورت گیرد شاید یک دلیل این بود تا وزرا دور از خانه و دفتر کار فرصت بیشتری برای تبادل نظر داشته باشند.

در این جلسات اولویت های کاری در عرصه های مختلف مشخص گردید و وزارت خانه هایی که برنامه های مکمل باهم داشتند در حلقه های کاری تقسیم بندی شدند. در بخش زراعت و انکشاف دهات غیر از وزارت های مربوطه وزارت های مبارزه با مواد مخدر و بخش آب، وزارت انرژی و آب نیز شامل شدند که در راس این حلقه محمد آصف رحیمی قرار دارد.

در بخش انکشاف منابع بشری نیز تعدادی از وزارت خانه های دخیل در این برنامه شامل شدند که به رهبری داکتر فاروق وردگ کار خواهند کرد.

گردانندگان کنفرانس کابل توقع وعدهٔ جدید از طرف جامعهٔ جهانی را ندارند و به این باور اند که مشکل در افغانستان کمبود پول نیست بلکه مشکل در شیوهٔ مصرف پول است.

در بخش انکشاف زیر بناهای اقتصادی تعدادی از وزارت های مربوط به ریاست وحیدالله شهرانی وزیر معادن تعیین گردیدند.

این سه حلقه مشتمل بر هفده وزارت است و هدف از ایجاد این حلقه ها اینست تا وزارت های شامل در هر حلقه باهم در رابطه با برنامه های کاری شان دید مشترک و هماهنگ داشته باشند.

در برنامه های حکومت افغانستان به منظور رسیدن به خودکفائی، طرح های بزرگ آبیاری به منظور وسعت بخشیدن به زمین های زیر کشت و تولید برق شامل است.

در طول بیش از صد سال گذشته زمین های زیر کشت در افغانستان تغییر زیادی نکرده در حالی که نفوس چند برابر بیشتر شده است. از طرف دیگر مهاجرت مردم از روستا به شهر به امید یافتن کار، مشکلات بزرگ اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را به میان آورده است. با توجه به زراعت و انکشاف دهات می توان با این چالش مقابله کرد.

در کنفرانس لندن فیصله شد تا ۵۰ درصد از کمک های خارجی در اختیار دولت افغانستان نهاده شود و از طریق بودجهٔ کشور به مصرف برسد. اما این کار تا حد زیادی به مبارزه علیه فساد اداری مربوط است.

حکومت افغانستان برای دادن اطمینان به جامعهٔ جهانی، در جلسهٔ کابینهٔ روز دوشنبه ۲۱ سرطان، تشکیل محکمهٔ خاص برای محاکمهٔ مقامات بالای دولتی به جرم فساد را تصویب کرد و این مشکل برطرف شد. به نظر می رسد که سروصدای کشورهای خارجی در مورد فساد در حکومت افغانستان هم زیاد جدی نیست. آنها فقط به اقدامات نمایشی هم راضی اند تا افکار عمومی در کشور های شان را قانع سازند و حکومت افغانستان هم این نکته را درک کرده و چندین نهاد را برای مبارزه با فساد به میان آورده و محکمه یی هم تاسیس کرده است که بیشتر اقدامات نمایشی است.

پیشنهاد حکومت افغانستان به این کنفرانس اینست که باید در حساب دهی ۵۰ در صد پول از جانب حکومت افغانستان و نیز ۵۰ درصدی که از جانب خارجی ها به مصرف می رسد، شفافیت وجود داشته و هردو طرف به همدیگر حساب بدهند.

گردانندگان کنفرانس کابل توقع وعدهٔ جدید از طرف جامعهٔ جهانی را ندارند و به این باور اند که مشکل در افغانستان کمبود پول نیست بلکه مشکل در شیوهٔ مصرف پول است. شیوه مسرف پول تا کنون طوری بوده که روی زندگی اکثریت مردم تاثیر مثبت نداشته است. تا زمانی که این شیوه تغییر نکند، مشکل افغانستان حل نخواهد شد. به همین دلیل آنها در این کنفرانس به کشور های کمک دهنده پیشنهاد هایی هم در مورد اینکه پول باید چگونه و روی کدام اولویت ها به مصرف برسد، دارند.

یک نکته در رابطه با این کنفرانس ها اینست که بعضی ها گمان می کنند در این کنفرانس برنامه های دولت افغانستان به اطلاع شرکت کنندگان رسانیده می شود در حالی که چنین نیست. کنفرانس کابل که روز سه شنبه گشایش خواهد یافت حدود پنج ساعت به طول خواهد انجامید و فرصت پرداختن به خواست های حکومت افغانستان به تفصیل در این کوتاه مدت متصور نیست.

اما شرکت کنندگان که به این کنفرانس می آیند قبلا برنامه های حکومت افغانستان را مطالعه کرده و در مورد آگاهی دارند. این گونه گردهمائی ها فقط به پیشنهاد هایی که از قبل ارائه شده مهر تائید می گذارد.

پس همه شرکت کنندگان قبلا در مورد برنامه های حکومت افغانستان اطلاعات کافی در اختیار دارند و تصامیم از قبل گرفته شده است.

گزارشی از سفر رهبر به هرات

گزارشگر: همنوا



پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان، همراه با محمد نسیم فقیری عضوی شورای رهبری و رئیس دارالانشای جمعیت و عبدالستار مراد عضو شورای رهبری و رئیس امور سیاسی جمعیت، بنابر دعوت امیر محمد اسماعیل خان عضو شورای عالی جمعیت و وزیر انرژی و آب، و به معیت ایشان، صبح روز یکشنبه ۲۰ سرطان وارد شهر هرات گردیدند.

در میدان هوائی هرات تعدادی از علما، موسفیدان، قوماندانان سابق جهادی، برخی از نمایندگان مردم در شورای ملی، معلولان و جانبازان جهاد و کارمندان ملکی و نظامی رئیس و اعضای دفتر نمایندگی جمعیت در هرات و صدها تن از مجاهدین و همشهریان هرات، جهت خیر مقدم حضور بهم رسانیده بودند.

هیأت رهبری جمعیت که با ده ها موتر همراهی می شد، حوالی ساعت هشت صبح به محل از قبل تعیین شده (اقامتگاه امیر محمد اسماعیل خان) وارد شدند و پس از استراحت کوتاه، با جمعی از علما،موسفیدان، قوماندانان سابق جهادی و بزرگان هرات، که به دیدار شان آمده بودند،ملاقات کردند.

امیر محمد اسماعیل خان عصر این روز، هیأت رهبری جمعیت را به همراهی تعدادی از بزرگان هرات، به تماشای منظر جهاد واقع در کنار باغ ملت بردند و حدود یک ساعت، این دیدار به درازا کشید. منظر جهاد، نمایشگاه یا موزیم تاریخی جهاد شکوهمند و افتخار آفرین مردم افغانستان است که رشادت، دلیری، جانبازی و شهادت مردمان ایثارگر و سر افراز افغانستان را در سال های جهاد، به تصویر کشیده و به نمایش گذاشته است.

در این نمایشگاه تجسمی، تانک ها، هلیکوپترها و جت های دشمن متجاوز را می بینیم که به دهکده های ما هجوم برده اند و مردم دلیر و قهرمان ما از عقیده، ناموس و سر زمین خویش با وسایل و ابزار بسیار ساده، دفاع می نمایند. خانه و خانواده هایی دیده می شوند که در کنار اجرای امور عادی زندگی، از خانه و کشور خویش نیز دفاع می نمایند. در این تندیس ها سر بازان شوروی دیده می شوند که با قطاری از تانک ها و وسایل زرهی به محلات مسکونی یورش می برند و مجاهدین دلیر، مشغول نبرد با آنان اند... خانه یی دیده می شود که خانمی بر سر تنور،نان می پزد و چند قرص پخته شده روی سبد قرار دارد، دختر جارو می کند و پدر بر پشت بام با سلاح آمادهٔ حمله بر دشمن است ...

در منظر جهاد علاوه بر مجسمه ها و صحنه های ساخته شده از گل و پلاستیک که یاد آور روز های سخت و دشوار جهاد و مقاومت در برابر مهاجمان است؛ تصویر هایی از رهبران و اکثر قومندانان معروف و شهدای گرانقدر نیز دیده می شود. بسیار عجیب است که در کنار عکس هایی شهدای جهاد، عکس داوودخان و انجنیر حبیب الرحمن شهید (قاتل و مقتول) در یک قاب قرار داده شده است!

پس از نماز عصر، در حالی که ده ها تن از کارمندان نظامی، امنیتی و اداری و تعدادی از قوماندانان و مجاهدین سابقه دار، هیأت را همراهی می کردند، به آرامگاه پیر هرات خواجه عبدالله انصاری رفتند و پس از اتحاف دعا به آرامگاه میرویس شهید، فرزند ارشد امیر محمد اسماعیل خان رفتند که در گازرگاه و نزدیک مزار خواجه قرار دارد.

صبح روز دو شنبه ۲۱ سرطان، رهبر جمعیت اسلامی و هیأت همراه در اجتماعی بزرگی شرکت کردند که در تالار اقامتگاه، برگزار شده بود. در این گردهمایی که علما، موسفیدان، قومندان های جهاد و مقاومت، جوانان، برخی از کاندیدای ولسی جرگه شرکت داشتند، تنی چند از بزرگان هرات با عرض خیرمقدم، به سخنرانی پرداختند و متعاقب آن از جناب رهبر عالیقدر جمعیت دعوت به عمل آمد تا به ایراد سخن بپردازند، رهبر جمعیت در آغاز از دعوت امیر محمد اسماعیل خان و آماده سازی زمینه برای این گردهمایی تشکر نمودند و از نقش برازندهٔ مردم هرات در دوران جهاد مقدس یاد آوری کردند. استاد افزودند: قیام دلیرانهٔ مردم ما در برابر رژیم های کودتایی مزدور، و تجاوز نظامی ابر قدرت شرق و سهم مردم هرات در این جهاد بزرگ و مقدس، ثبت اوراق زرین تاریخ کشور ما و تاریخ جهان است.

استاد در مورد حضور قوای خارجی در کشور گفتند: امریکایی ها و دیگران بنابر فیصلهٔ شورای امنیت ملل متحد و طبق برنامه و پروگرام خود شان به اینجا آمده اند و هرگز کسی یا گروهی از آنان دعوت نکرده است... ما در همان روز های نخست هوشدار داده بودیم که هرگاه برای استقرار امنیت و بازسازی کارنمایند، اشکالی ندارد. ولی هرگز اجازه نخواهیم داد که برضد ارزش های دینی ما، فعالیت نمایند. مردم مسلمان و مجاهد افغانستان بیش از یک و نیم میلیون از فرزندان خویش را فدای این ارزش ها نموده و از دین، عقیده، ناموس و خاک خود دفاع کرده اند و به هیچ نیروی داخلی و خارجی اجازه نداده و نخواهند داد که برای تغییر هویت اسلامی و مسخ افتخارات تاریخی کشور ما، تلاش نمایند....

گرچه قرار بود مقام رهبری جمعیت آخرین سخنران محفل باشد، اما بنابر ضرورت و مطرح شدن چند موضوع از سوی سخنرانان، به رئیس دارالانشای جمعیت، وقت داده شد و سخنانی ایراد گردید که در همین شماره خلاصه و فشردهٔ آن تقدیم می شود.

بعد از ظهر دوشنبه نیز سلسلهٔ دیدار ها و ملاقات ها با رهبر و هیأت همراه ادامه یافت... عصر این روز، تعدادی از استادان پوهنتون و گروهی از محصلین و فرهنگیان هرات با استاد و هیأت، ملاقات نمودند... جنرال قونسل جمهوری اسلامی ایران و قونسل جمهوری هند در هرات نیز در منزل امیر محمد اسماعیل خان با جناب استاد ملاقات کردند...

شام دوشنبه، رهبر و هیأت همراه در ضیافتی شرکت کردند که از سوی سید نورالله عماد عضو شورای عالی جمعیت اسلامی در خانهٔ جهاد ترتیب یافته بود.

صبح سه شنبه ۲۲ سرطان در حالی که امیر محمد اسماعیل خان، قوماندان قول اردو، رئیس امنیت ملی و سید شفیق آقا (نمایندهٔ مردم هرات در ولسی جرگه) و ... رهبر جمعیت را همراهی می کردند، با هلیکوپتر ها به ولسوالی چشت در شرق هرات رفتند و از جریان اعمار بند سلما دیدن نمودند... هیأت در ولسوالی چشت که نزدیک بند سلما واقع است، ظهر مهمان انجنیران هندی بودند که با غذای هندی از آنان پذیرایی شد... بعد از ظهر آن روز، جمعی از اقشار مختلف ولسوالی چشت شامل علما، موسفیدان و جوانان در محفلی اشتراک نمودند که جناب استاد و امیر محمد اسماعیل خان سخنرانی کردند و از رشادت و قهرمانی های مردم دلیر و دور افتادهٔ ولسوالی چشت یاد آوری نمودند...

بعداً هیأت به آرامگاه سید قطب الدین مودود چشتی رفتند که در ۴۳۳ هجری متولد گردیده است. هیأت بعد از اتحاف دعا، دو باره به هرات برگشت ... شام این روز، ضیافتی از سوی سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در هرات در مقر آن کنسولگری ترتیب یافته بود که استاد، امیر اسماعیل خان، رئیس دارالانشای جمعیت، شاروال هرات و تنی چند از بزرگان در آن شرکت نمودند.



صبح چهارشنبه ۲۳ سرطان، رئیس دارالانشای جمعیت از ساختمان جدید نمایندگی جمعیت اسلامی در هرات بازدید نمود که در این اواخر، خریده شده است. در این باز دید، آقای مظهر وحیدی رئیس دفتر نمایندگی و آقایان مصطفی حقجو و جمعی از اراکین جمعیت در هرات نیز حضور داشتند و در مورد ساختمان و بخش های آن و ساحهٔ کار و فعالیت آن، معلومات دادند.

رهبر و رئیس دارالانشای جمعیت ساعت دو و نیم صبح چهارشنبه، هرات را به مقصد کابل ترک گفتند.

در میدان هوایی هرات، امیرمحمد اسماعیل خان و برخی از کارمندان ملکی و نظامی و قومندانان سابق جهادی و نمایندگان مردم با هیأت وداع نمودند.

موجودیت واژه های فارسی دری در قرآن کریم



پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

یک تعداد واژه هایی که اصل و ریشه فارسی دری دارند، در نصوص دینی منجمله قرآن کریم و سخنان پیامبر اسلام وجود دارد. کلماتی در قرآن کریم، مثل: استبرق که معرب استبرک است، در ابریق که معرب آبریز است، و غیره. برخی از دانشمندان و علما به موجودیت واژه های غیر عربی در قرآن کریم به اشکال و تردید های مواجه شده اند؛ زیرا موجودیت این واژه ها منافی نص صریح قرآن کریم تلقی میشود، طوریکه در قرآن کریم آمده است: «انا انزلناهٔ قرآناً عربیاً و هذا لسان عربی مبین». این آیات نشان میدهد که قرآن کریم به زبان عربی نازل شده است و ورود این گونه واژه های غیر عربی را از باب توارد دانسته اند. بعضی از مفسرین مثل امام فخر رازی این نظر را تقویه کرده است و اصل این بحث را از ساحه زبانشناسی به ساحه علم اصول فقه می کشاند؛ یعنی در مباحث واژه های قرآن کریم از حقیقت شرعی سخن رانده شده است. از متقدمینی که در خصوص کلمات معرب در قرآن کریم به بحث پرداخته است، ابوعبید القاسم بن سلام است. ابو عبید به این باور است که این واژه ها در اصول و اساس اعجمی است؛ اما زمانی که به زبان عربی راه می یابد، عرب ها آنها را به شیوه زبان خود در آورده و تغییر شکل داده اند که شکل و رنگ عربی را بخود گرفته است. در زمان نزول قرآن کریم این واژه های دخیل در زبان عربی طوری آمیزش پیدا کرده بود که بعضی ها آنرا عربی خوانده اند. از دانشمندان متاخری که پیرامون واژه های معرب در قرآن کریم به بحث پرداخته اند، یکی هم جلال الدین عبدالرحمن السیوطی است و کتابی با ارزشی را بنام «المهذب فی ما ورد فی القرآن من المعرب» تالیف نموده است.

عبدالرحمن السیوطی در این اثر خود واژه های غیر عربی را در قرآن کریم به بررسی گرفته است. اقوال علما و دانشمندان در مورد واژه های غیر عربی که در قرآن کریم داخل شده است، در دو کتاب «اتقان و مزهر» جمع آوری کرده و در فرجام به این نتیجه رسیده اند که این واژه ها اعجمی است به اعتبار اصل و عربی است به اعتبار حال. همچنان «اورتور جیفری» مستشرق مشهور قاموسی را از واژه های دخیل در قرآن کریم تدوین نموده و در آن واژه های فارسی دری را شرح و تفسیر نموده است. حال به بررسی این واژه های دخیل فارسی دری در قرآن کریم می پردازیم.

بریق: در سورهٔ الواقعه، آیهٔ ۱۸

یطوف علیهم ولدان مخلدون بأکواب واباریق

اباریق، جمع ابریق: معرب آبریز می باشد، جوالیقی ابریق را از اصل ابریه فارسی می داند. ابو حاتم الرازی در کتاب الزینهٔ آنرا مرکب از آب و ریز یعنی ریختن می داند و طوبیا العنیسی نیز آنرا معرب آبریز گفته است.

استبرق: در سوره الکهف، آیهٔ ۳۱ و سوره دخان آیهٔ ۵۳ و سوره الرحمن آیهٔ ۵۴

و یلبسون ثیاباً خضراً من سندس و استبرق

استبرق: الدیباج، جوالیقی فارسی معرب آن را استفره و بن درید استروه، ابو حاتم رازی آنرا از اصل استبره فارسی می داند. ادی شیر آنرا معرب استبر فارسی می داند، برهان قاطع آنرا لباس زرکش دانسته است، این کلمه از مادهٔ برق بدست آمده است.

تنور:در سوره هودآیهٔ ۴۰

حتی اذا جاء أمرنا و فار التنور

التنور: جای که در آن نان پخته می شود، جوالیقی و خفاجی در شفاء الغلیل این کلمه را فارسی معرب گفته اند و از ابن عباس نقل می کنند که این کلمه میان بعضی از زبانها مشترک می باشد. سیوطی در مهذب خویش این کلمه را سریانی خوانده است. عنیسی این کلمه را از اصل عبرانی می داند و مار اغنیاطوس این کلمه را سریانی Tanouro (آتشدان) گفته است؛ اما قول بن عباس در مورد این واژه مرجح می باشد.

زنجبیل: در سوره انسان آیهٔ ۱۷

و یسقون فیها کأساً کان مزاجها زنجبیلاً

زنجبیل نباتی است که برای خوشبوی به کار می رود و معرب آن زنجفیل است و سیوطی در مهذب خود آن را معرب فارسی گفته است.

سجیل: در سوره هود، آیهٔ ۸۲، سوره حجر آیهٔ ۷۴ و فیل آیهٔ ۴

ترمیهم بحجارهٔ من سجیل

سجیل یک نوع سنگ مخلوط از سنگ و گل است جوالیقی این کلمه را مرکب از سنگ و گل می داند، قاموس محیط این کلمه را سنگ مثل کلوخ سخت گفته است و آنرا معرب سنگ و گل می داند. اصفهانی این کلمه را نیز سنگ و گل مخلوط می داند. سیوطی در اتقان خود سجیل را فارسی معرب می داند که اول آن سنگ و آخر آن طین است «سنگ و گل».

سرادق: در سوره الکهف، آیهٔ ۲۹.

انا أعتدنا للظالمین ناراً أحاط بهم سرادقها

السرادق: خیمه است، اصل آن در فارسی سردار می باشد، مار اغنیاطوس افرام این کلمه را از ماده sarodhiqo سریانی گفته است.

مسک: در سوره المطففین، آیهٔ ۲۶.

ختامها مسک، وفی ذلک فلیتنافس المتنافسون

مسک یعنی خوشبوی معروف و معرب مشک فارسی است، در اینجا سین به شین قلب شده است.

مقالید: در سوره الزمر، آیهٔ ۶۳، الشوری، آیهٔ ۱۲.

له مقالید السموات والارض

مقالید: مفاتح مفرد آن اقلید و مقلید به قول بن درید، اقلید معرب کلید فارسی است، جوالیقی نیز این کلمه را فارسی معرب یعنی کلید خوانده است که جمع آن مقالید می باشد. اصل کلمه کلید است، بعضی ها اصل این کلمه را از ماده لاتین اقلیدس که جمع آن اقالید است می داند. مقالید یعنی خزاین از ماده قلده. سیوطی در مهذب و اتقان خود و ابوحاتم الرازی در کتاب الزینه و برهان قاطع آنرا از ماده قلده و کلیدانه می داند.

در سخنان رسول اکرم «ص» واژه های فارسی دری نیز به چشم میخورد که نمونه های آنرا در اینجا ذکر می نماییم. «عن ابی هریره قال: و صل النبی صلی الله علیه و سلم المسجد و انا اشکو من بطنی فقال». یعنی ابو هریره روایت می کند که وقتی رسول اکرم «ص» داخل مسجد شدند من از درد شکم شکایت می نمودم. پیامبر گفتند: ای ابا هریره اشکنب درد، فقلت نعم؛ یعنی ای ابا هریره شکمت درد می نماید، گفتم بلی. از عکرمه روایت نموده اند که ابن عباس پرسید که آیا رسول اکرم «ص» به فارسی سخن گفته است؟ گفت بلی. در این وقت سلمان فارسی داخل شد، پیامبر برایش گفت: درسته و شادته (درستی وشادی). همچنان رسول اکرم «ص» واژه قفشین که معرب کفش و قیروان که معرب کاروان است، بکار برده اند. همچنان پیامبر اسلام به روایت ترمذی و مسند واژه خندق را بکار برده است: و قد ورد فی الحدیث قوله صلی الله علیه و سلم: (... جعل الله بینه و بین النار خندقاً. «رواه الترمذی فی فضائل الجهاد»). (ترمذی باب الجهاد). واژه خندق همان کندک فارسی است.

رباعیات

نورالله وثوق

بویِ جهلِ

زدستِ بویِ جهلِ خود به جانم
دماغم را بلایِ جاودانم
شده جارِ سرِ چارسویِ دلها
که من بازیچهٔ دستِ جهانم

نمادِ

میانِ شعله خود را می گدازم
شرارت را نمادِ سرفرازم
زبس باجهل ونخوت خوگرفتم
زهرچه غیرِ نفرت بی نیازم

روحِ ناجوانی

بگوتاکی چنین کوته نظر دل
به کنجِ ناجوانی مستقردل
مشو با کرگسان همدستِ پرواز
بکن وا باعقابان بال و پردل

زرخریدِ

مکن با اشکِ حسرت دیده تر دل
فراتر از نگاهِ خود بپّر دل
نمی خواهم تو را مثلِ حریفان
غلام زرخرید کور و کرِ دل

رنگِ استقلالِ

بنایِ ذِلّتی تأسیس کردیم
خجالت راسراپا خیس کردیم
سخن ازرنگِ استقلالِ دل شد
دهانِ دیده را سرویس کردیم

تزریقِ ریا

نگربالا وپستِ لحظه ها را
تماشا فرد فردِ آشنا را
به بین دررگِ اندیشه هاشان
بلایِ خونِ تزریقِ ریا را

بویِ وحشت

زصبحِ سربلندی عارکردم
به گردن بردگی را بارکردم
زبس از رنگِ وحشت بو گرفتم
تو را از آدمی بیزار کردم

تُبره وآخُر

بود ازهرکجایی پُر دلِ من
شده همسنگرِ سُرسُردلِ من
بگیرد امتیازازصلح و جنگش
خورد ازتُبره وآخُردلِ من

شرنگی بجای شهد

شرنگی را خیال شهد کردیم
بجای حق بباطل عهد کردیم
بپای خود بسوی دار رفتیم
عجب مردانه جد وجهد کردیم



از استراتژی مک کریستال تا تاکتیک های پتریوس

وحید مژده

ادامه از صفحهٔ اول

که این نیرو با نیروهای وزارت داخله هماهنگ عمل می کند اما از نظر تشکیلاتی خارج از وزارت داخله است.

سوال دوم این بود که فرماندهی این گروه ها را چه کسانی به عهده خواهند داشت؟ جوابی که پتریوس چنین بود، یعنی فرماندهی چنین گروه هایی که به شکل قومی تشکیل می شود با شخص از همان قوم خواهد بود که توانمندی لازم را داشته باشد.

رئیس جمهور کرزی در برابر اصرار پترائوس، تطبیق دو شرط عمده را برای تشکیل ملیشه های جدید لازمی دانست:

نخست اینکه این نیرو باید در چهارچوب وزارت داخله بوده و بودجهٔ آن نیز از جانب این وزارت داده شود.

دوم اینکه فرماندهی این نیرو باید از طرف وزارت داخله تعیین گردد.

پتریوس این شرایط را پذیرفت و به این ترتیب کار ملیشه سازی به شیوهٔ کمی متفاوت تر از دوران کمونیست ها آغاز شد.

اکنون باید به مشکلاتی که این نیروی جدید به میان خواهد آورد توجه نمود: اگر این نیرو شکل قومی را نداشته باشد و فقط نیرویی مانند پولیس فعلی باشد، پس لزوم تشکیل آن چیست؟

بدون تردید خارجی ها از تشکیل این نیروی جدید اهدافی دارند که یکی از آن ها کاهش تلفات نظامیان خود شان و کاهش هزینهٔ جنگ برای امریکا در افغانستان است اما این کار می تواند تاثیرات منفی دیگری بر افغانستان داشته باشد.

آنهایی که با امریکا رابطهٔ نزدیک دارند می توانند با استفاده از این موقع مسلح گردند و اقوام بی ارتباط با نیروهای خارجی که تاکنون در جنگ نیز سهم نداشته اند، احساس خطر نمایند و در صدد گردند تا برای دفاع از خود به طالبان رو آورند. این کار در دوران جهاد نیز دیده شد که چگونه اختلاف میان اقوام موجب دو دستگی برای مقابله با همدیگر گردید.

هدف امریکا از این کار به جان هم انداختن اقوام در سمت جنوب افغانستان است اما وقتی مردم در مناطق ناامن اکثرا پشتون نشین بر بنیاد قومی و با استفاده از تجربهٔ عراق مسلح می شوند، اقوام غیرپشتون این کار را نوعی دادن جایزه به ناامنی تلقی خواهند کرد.

امروز که بیش از هر زمان دیگر امکان پیروزی ناتو در این جنگ ضعیف به نظر می رسد، نگرانی از اینکه بعد از خروج نیروهای خارجی از افغانستان چه سرنوشتی در انتظار این کشور خواهد بود، موجب نگرانی بیشتر برای این اقوام می گردد.

اکنون سوال اینست که این طرح تا چه حد با استراتژی جدید اوباما مبنی بر شکار قلب های مردم افغانستان خواهد داشت؟

پنتاگون اعلام داشت که هیچ تغییری در استراتژی به میان نخواهد آمد اما تاکتیک های این جنگ تغییر خواهد کرد. یک معنی اعلام تغییر تاکتیک به این معنی بود که امریکا از بلندرفتن تلفات نظامیان خویش درافغانستان سخت نگران است و باید با تغییر تاکتیک تعداد تلفات کم شود. افغان ها باید مسوولیت های بیشتری را در این جنگ به عهده بگیرند زیرا امریکا برای ابد در افغانستان باقی نخواهد ماند. حرفی که جوبایدن معاون اوباما گفت.

مهمترین موضوع در استراتژی جدید که به وسیلهٔ اوباما به تصویب رسید، جلب حمایت مردم افغانستان از این جنگ بود کاری که در گذشته هرگز جدی گرفته نشد و به همین دلیل طالبان توانستند از نارضایتی مردم از نیروهای خارجی استفاده نموده و بخش بزرگی از جنوب کشور را به آشوب بکشند.

هر چند جنگ در عراق بعد از حملهٔ امریکا به افغانستان صورت گرفت اما فرماندهان امریکایی بیشتر از افغانستان تحت تاثیر تجارب جنک در عراق اند. مک کریستال هم درابتدا وقتی به فرماندهی نیروهای امریکا و ناتو در افغانستان گماشته شد، تحت تاثیر تجارب خویش در عراق قرار داشت اما به زودی دریافت که شرایط این دوکشور از هم کاملاً متفاوت است هرچند او نیز تا حدی تلاش داشت تا با کسانی که سران قوم خوانده می شدند رابطهٔ نزدیک برقرار نماید اما به زودی دریافت که بسیاری از این سران قوم تقلبی اند و از سیادت قومی جز شملهٔ دستار چیزی در بساط ندارند

اما به نظر می رسد که پترائوس هنوز هم به فکر الگو برداری از تجارب جنگ عراق در افغانستان است. به خصوص موضوع ملیشه سازی و سپردن بخشی از بار جنگ به دوش نیروهای داخلی از تجاربی است که در کاهش خشونت ها در عراق موثر بود.

امریکائی ها در عراق وقتی با تلفات شدید جانی مواجه شدند، چارهٔ کار را در جلب حمایت سران قبایل یافتند. سران قبایل در عراق در گذشته از توجه صدام برخوردار بودند و مردم نیز به خاطر این رابطهٔ آنان با حکومت دیکتاتوری، از آنها حرف شنوی داشتند. وقتی صدام سقوط کرد، این رابطه میان مردم قبایل و سران شان مستحکم تر شد زیرا جنگ در عراق شکل قومی و مذهبی به خود گرفت.

پس از تحمل تلفات سنگین، سرانجام امریکائی ها به این باور رسیدند که با جلب حمایت سران قبایل می توانند هم نیروهای مسلح مخالف را که در راس آنها القاعده قرار داشت تضعیف نمایند و هم از مصرف جنگ و تلفات سربازان خویش بکاهند. از جانب دیگر القاعده نیز با کشتارهای کور موجب نارضایتی مردم را فراهم آورد و این احساس در میان مردم عراق اوج گرفت که القاعده یک گروه عراقی نیست و به بقای عراق و زندگی مردم عراق توجهی ندارد. این مسئله موجب گردید تا قبایل میان خود به توافقی برای مخالفت و جنگ با القاعده دست یابند.

از جانب دیگر امریکا نیز تلاش نمود تا به مردم عراق اطمینان دهد که هدف از لشکر کشی این کشور به عراق اشغال دایمی این کشورنیست. ساختار ارتش عراق پس از سرنگونی صدام حسین به حال خود باقی بود و با تغییراتی که در فرماندهی به میان آمد این ارتش بازسازی شد. وقتی نیرو های خارجی در بعضی از مناطق وظیفه تامین امنیت را به نیروهای عراقی سپردند، در وضع امنیتی تغییرات مثبتی به میان آمد. اعلام تقسیم اوقات خروج نیروهای خارجی از عراق و به میان آمدن یک حکومت برخاسته از رای مردم نیز در این رابطه نقش داشت.

اما در افغانستان وضع از عراق کاملاً متفاوت است. طالبان از تجارب جنگ در عراق درس گرفتند و به القاعده اجازهٔ دست باز در افغانستان ندادند. نقش القاعده در جنگ افغانستان آموزش و کمک به نیروهای مخالف است در حالی که در عراق فرماندهی جنگ را به عهده داشت.

طالبان با کنار نهادن اجندای بین المللی، خود را به افغانستان محدود کردند و تلاش نمودند تا با بردن جنگ به مناطق غیر پشتون نشین، با تصور یک جنگ قومی یا مذهبی مقابله کنند. از بمب گذاری های بی هدف که در عراق و حتی در کشور همسایهٔ پاکستان جان تعداد زیادی از مردم را گرفت، در افغانستان جلوگیری شد.

اما موضوع ساختن ملیشه در افغانستان سابقهٔ طولانی و توام با شکست دارد. زمانی که نیروهای اتحادشوروی در افغانستان به مشکل مشابه با امروز امریکایی ها مواجه شدند، تصمیم گرفتند تا جنگ را افغانی سازند. در روستا های این کشور کندک های قومی به میان آمد و گروه های ملیشه تشکیل شد. این مشکل بیشتر ناشی از این ضرورت بود که سربازان اردوی افغانستان تمایلی به جنگ با مجاهدین نداشتند و تسلیم می شدند.

مشکل بزرگ ملیشه سازی اینست که نیروهای منظم دولتی را تضعیف می کند. گروه های ملیشه از نظم و دسپلین که در اردو وجود دارد اطاعت نمی کنند درحالی که از امتیازات مادی بیشتر برخوردار اند. به همین دلیل این امکان وجود دارد که سربازان اردو و پولیس به امید به دست آوردن امتیازات بیشتر و مسوولیت کمتر، صف اردو و پولیس را ترک نموده و به گروه های ملیشه بپیوندند.

تجربهٔ گذشته نشان داده که ملیشه ها با رویهٔ زشت شان در برابر مردم، موجب تقویت نیروهای مخالف می شوند زیرا آنها از قانون تبعیت نمی کنند و مثال های این گونه رویه زشت امروز نیز وجود دارد. همچنان در دوران جهاد بعضی از گروه های ملیشه به خاطر حفظ جان خود شان به مجاهدین باج می دادند و یک منبع تامین سلاح و مهمات مجاهدین همین ملیشه ها بودند.

جالب اینجاست، زمانی که نیروهای خارجی به افغانستان آمدند، با برنامه دی دی آر و بعد از آن دایاک سعی کردند تا به خلع سلاح نیروهای غیرقانونی بپردازند. در این برنامه ها صد ها میلیون دالر به مصرف رسید اما اکنون مجددا امریکا طرح ملیشه سازی را روی دست می گیرد و اسلحه توزیع می کند. کار توزیع اسلحه از مدت ها قبل آغاز شده و حتی سال گذشته رسانه های بین المللی خبر دادند که هزاران قبضه اسلحه که به افغانستان فرستاده شده بود مفقود شده است. هیچ کس نپرسید که امریکائی ها این اسلحه را به چه کسانی توزیع کرده اند.

یک مثال بارز از این گونه ملیشه های ساخت امریکا نیروهای کمپاین است که تحت فرماندهی امریکائی ها فعالیت می کنند و حکومت افغانستان هیچ گونه کنترولی بر آن ها ندارد. در یک مورد گروهی از نیروهای کمپاین به خاطر آزادی یک مجرم به نیروهای پولیس حمله کرده و حتیٰ فرمانده آنان را کشتند.

در گذشته در افغانستان ملیشه سازی مرحلهٔ بعد از ناکامی نیروهای منظم دولتی و حامیان شان در جنگ تلقی شده است و این بار نیز این اقدام روحیهٔ مخالفین را بلند خواهد برد و این تصور را تقویت خواهد کرد که خارجی ها قصد جدی برای کمک به اردوی ملی افغانستان را ندارند.

د دارالانشاء رئیس:

د جمعیت ونډه، نه د جمعیت بلکې د دولت په ګټه ده!



فقیري په خپلو خبروکې وویل چې ښکاره او څرګند ده چې په مجموع او هر اړخیزه توګه. هرات د جهاد تذکره او د اسلامي جمعیت کارت لري. مخالفین او موافقین په دې سره جوګه دي چې د هېواد د خلاصون لپاره د ستري او سپیڅلي جهاد په دوران کې د هرات خلکو په مړانه برخه اخستې او ډېر نامتو او تورزن او بهادر اتلان درلود او لري یې...

د ګوندونو په هکله باید وویل شي چې زمونږ ګوند (اسلامي جمعیت) له جهاد نه مخکې د یو اسلامي سیاسي - فکري ګوند په توګه شتون درلود او فکري، فرهنګي او سیاسي مبارزه کوله او د خلکو او په تېره بیا د ځوانانو د فکري روزنې لپاره پروګرامونه درلود او کار کاوه... ګوندونه د اختلاف او شخړې سبب باید ونګرځي. ګوندونه باید د خلکو د پوهاوي لپاره کار وکړي او د هېواد د بیارغونې لپاره طرحې او وړاندیزونه ولري... اوس مونږ د اساسي قانون او د سیاسي ګوندونو د قانون د حکمونو پربنسټ کار کوو او د ګوندونو شتون او د سیاسي فعالیت لپاره آزادي، د ډیموکراسي یواصل ده او له هغه نه بغیر ډیموکراسي معنا نلري... نو په افغانستان کې او په اساسي قانون کې دا حق په رسمیت پیژندل شوی او ګوندونه باید رقابت او سیالي ولري. خو دا سیالي باید مشروع او قانوني وي او د بې ځایه شخړو سبب ونه ګرځي.

بله مهمه خبره دا ده چې اسلامي جمعیت یو اسلامي او فکري ګوند دی. په جمعیت کې اصلا د قوم. ژبې. سمت او مذهب مسئله مطرحه نده مونږ ټول افغانان او مسلمانان یو. په جمعیت کې مونږ داسې پاڼې او فورمې نلرو چې د غړي قوم. ژبه یا مذهب په ګوته کړي. مونږ اصلا په قوم او ژبه باندې باور نلرو او نه زمونږ په تشکیلات کې دا مسایل په نظر کې نیول کیږي. باید و نه وایو خوکله مجبور کیږي چې په ګوته کړو! زه د افغانستان د اسلامي جمعیت د دارالانشاء مشر یم چې په تشکیلاتي لحاظ. دویم مسؤول ګڼل کیږم. خو زه یو پښتون یم او د افغانستان له ختیځ نه!

زمونږ پرخلاف ډېر ناروا او غلط تبلیغات شوي دي او کیږي! د مقاومت په وخت د افغانستان د اسلامي دولت سره تړلې جبهې (متحدې جبهې) ته د شمالي ټلوالي نوم ورکړ شوي و چې زمونږ د هغه وخت د دښمنانو کار و او غربي رسنیو خپورکړی و. په داسې حال کې چې د متحدې جبهې د مشرتابه او یا سیاسي دفتر له لسو غړو څخه صرف دوکسه له شمال سره تړاو درلود او پاتې اته کسان د افغانستان له نوروسیمو څخه و ... په متحده جبهه کې ډېر کسان له نورو قومونو څخه و لکه استاد سیاف. حاجي عبدالقدیر، سباوون، مولوي غلام محمد . محقق. کاظمي، انوري، عرفاني، حضرت علي، براهوي او ...

بله مهمه مسئله د لویو او مطرحو شخصیتونو شتون دی په جمعیت کې، لکه امیر محمد اسماعیل خان. استاد عطامحمد نور. مارشال فهیم او نور ...

دا شخصیتونه د جهاد محصول دي او د جهاد او هېواد ستنې ګڼل کیږي دوی چې ستر شوي دي د جهاد او د جمعیت له برکته دې مقام ته رسیدلي، په دوی باندې په څولسیزو پانګه اچونه شوې ده ...

له همدې کبله وختي او لنډ مهاله دریځونه نشي کولوی چې د دوی تړاو له جمعیت سره پرې کړي او د جمعیت مشرتابه هیڅکله ندې ویلي چې دوی له مونږ سره ندي...

بله او آخري مسئله. په دولت یا حکومت کې د جمعیت د ونډې خبره ده ... ټولوته جوته ده چې مجاهدین او په تېره بیا د افغانستان اسلامي جمعیت د دې هېواد د خلاصون په موخه ډېرې قرباني ورکړي دي او دا د دوی حق دی چې د هېواد په بیا جوړولوکې ونډه ولري. مونږ ډېر پوه او با استعداده کدرونه لرو. د دوی له ذهن. استعداد او تخصص نه باید ګټه پورته شي او د نور ترڅنګ په حکومتي چارو وګمارل شي. دا د جمعیت په ګټه نه بلکې د دولت ګټه ده. د دولت د مشروعیت پخلې د مطرحو څواکونو په ونډه اخستلوکې ده. دا کوم خیرات نه دی چې مونږ یې غواړو. دا زمونږ شرعي او قانوني حق دي، دولت ورته اړتیا لري. ټولنه او خلک ورته ضرورت لري...

او په پای د سولې د ملي مشورتي جرګې په هکله!

مونږ ټل سوله غوښتې ده او په هغه باندې مو ټینګار کړی... په اسلام آباد، جلال آباد، هرات، طایف، جده، تاشکند او عشق آباد کې جرګې او مرکې شوې دي، د جمعیت مشر هرکله د سولې له پیغام او طرحې نه هر کلې کړی... د جمعیت لاربښود یواځې د حکومت د مشر په غوښتنه د جرګې مشري نده منلې بلکې د هغه ترڅنګ د جهادي مشرانو له غوښتنې سره سم او د جرګې د ګډونوالو په ټاکنه. دا مسؤولیت یې منلی ؤ. دا دنده په هیڅ صورت دیو امتیاز ښکارندویه نده بلکې په نړیوالو رسنیوکې د دولت اعتبار ته ګټه ورسوله او دولت ته یو امتیاز وګڼل شو.

مونږ غواړو چې له نورو سره یوځای د هېواد د خدمت لپاره ګړندي ګامونه او چټ کړو او له هیچا او هیڅ اړخ سره د تضاد او کشمکش په حال کې نه یو.

دیدگاه اسلام

نسبت به حقوق سیاسی انسان

سیدناصر تقدسی

در اندیشهٔ اسلامی سیاست بخش جدایی نا پذیر از دین است و چیزی به نام جدایی دین از سیاست و یا آشتی نا پذیری دین با دنیا وجود ندارد. کسانی که شعار انفکاک دین از سیاست را مطرح می کنند یا اساساً از دین چیزی نمی دانند و یا سکولارهایی هستند که در صدد کوبیدن اسلام اند.

اسلام به تعبیر امام حسن البناء نظام شامل و فراگیری است که همه پدیده ها و جوانب زندگی را در بر می گیرد؛ اسلام هم دولت و میهن، هم حکومت و ملت است؛ اسلام هم اخلاق و نیرو، هم رحمت و عدالت است؛ اسلام هم فرهنگ و قانون، هم دانش و دادگستری است؛ اسلام هم ماده و ثروت، هم کسب و غناست؛ اسلام هم جهاد و دعوت، هم ارتش و اندیشه است؛ چنان که این دین، باور راستین و عبادت درست نیز هست.

با توجه به همین موضوع بوده که می بینیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم، در عین زمانی که فرستادهٔ خدا جل جلاله بود، به عنوان حاکم و فرمانروا امور دولت اسلامی را نیز اداره می کرد، با دولت های بیرونی پیمان می بست، شاهان و فرمانروایان روزگار خود را مخاطب قرار می داد، فرستادگان غیر مسلمان را به حضور می پذیرفت و تصمیم جنگ و صلح را نیز خودش اعلام می فرمود.

پس از ارتحال حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم، خلفای راشدین رضی الله عنهم، با انتخاب و گزینش مسلمانان -قطع نظر از این که شیوهٔ انتخاب آنان چگونه بوده است- یکی پی دیگری روی صحنه آمدند و زمام امر مسلمانان را به دست گرفتند و هر کدام در روزگار خویش، نظام دولتی ویژه یی را برای سامان مند کردن نظام، روی دست گرفتند که بی پیشینه بود.

روند سیاست و حکومتداری اسلامی به شیوه ها و ساختارهای گوناگونی تداوم یافت، تا آن که در روزگار معاصر، نظام حکومتداری مدرن، به وجود آمد و نهاد هایی مانند شورای ملی و پارلمان و مؤسسات دیگری از این دست، عرض وجود کرد که نظام دولت در هر کشوری بر پایهٔ آنها ابتنا یافته است.

بدون شک کسب عضویت و یا قرار گرفتن در رأس این نهاد ها، ظاهراً جز از راه نامزدی و انتخاب شدن میسر نیست و کسانی که به این ارگان ها و نهاد ها راه می یابند همان ها اند که در خصوص سیاست های کلان کشوری تصمیم می گیرند، قانون تصویب می نمایند، به کابینهٔ حکومت رأی اعتماد می دهند، وزرا را به استیضاح می کشانند و در بسا از کشور ها به انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر می پردازند.

بنا بر این هر فرد از افراد جامعه و دولت، از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن برخوردار است و در صورتی که از لحاظ شرعی و قانونی واجد شرایط بوده باشد، برای به دست آوردن عضویت و ریاست پارلمان و سایر نهادهای رسمی انتخابی، می تواند خویشتن خود را نامزد نماید و همچنان بدون آن که تبعیضی در میان بوده باشد می تواند رأی دهد و در تعیین سرنوشت مردم مشارکت نماید. البته تردیدی وجود ندارد که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای فرد، قبل از آن که از جانب قوانین وضعی بشری مطرح شده باشد از جانب اسلام واپسین دین الهی تضمین گردیده است و هیچ کسی حق ندارد این حق مسلم را به هیچ بهانه یی از انسان سلب نماید.

بنا بر آنچه گفته آمد، در این نوشته به دو موضوع تمرکز خواهیم کرد: اول؛ حق انسان در نامزد شدن برای احراز چوکی، و دوم؛ حق وی در انتخاب کردن.

ادامه دارد

د وروستي اعلان شوي لست څخه د نوماندانو د نومونو د حذفولو مقصد څه دی؟

● وائل بحر ●

د ټـاکنود خپلواك کمېسون د مسولینو د وینا له مخې یود پرش نور نومونه به هم د نوماندانو له لست څخه وویستل شي .

داخبر په داسې حال کې په رسنیو کې خپرېږي چې د رسمي کمپاین په پیل کېدو باندې درې اونۍ تېرې شوي دي او وروستیی لست هم اعلان شوی دی.

له لست څخه دویستل کېدونکو نوماندانو د علت په هکله ویل شوي دي چې دغه اقرار د وسله والو گروپونوسره تړاو لري .اوهم پدې خبره تاکید شوی دی چې ددغو نوماندانو له لیست څخه حذفول ضروري او یقیني خبره ده .

اوس پوښتنه داده چې که چېرې دغه کسان دوسله والو کسانو او یا گروپونوسره د تړاو په تور له لست څخه د حذف کېدو وړوي نو بیا د ټاکنو خپلواك کمېسیون تر اوسه ولې دغه کسان له لست څخه وستلي نه وو او اوس چې په رسمي کمپاین پیل کېدو باندې دادی درې اونۍ هم تېرې شوي او هر نوماند خپل انتخابي کمپاین هم پیل کړی چې هر یو یې دخپل توان سره سم لگښتونه هم کړیدي سو څنگه به ممکنه وي چې یو څوك په لکونو لږښت وکړي او بیا دې وروسته له لست څخه حذف شي ؟ که چېرې دداسې کسانو نومونه له لیست څخه حذفول گټور او اړین وو نو تر اوسه ولې اړوند کمیسیون خپل مسولیت ندی ادا کړی چې اوس یې چیغې وهي . ایا د کمېسیون دغه عمل دریځ او قانوني حیثیت لري ؟ پداسې حال کې چې دې کسانو نومونه به ټاکنو لپاره په تیارشوو لستونو کې هم شامل وي .

له قانوني او حقوقي اړخه دا ډول عمل کوم جواز نلري ، څکه که داسې وشي نو د کاندیدانو لخوا تر سره شو و لگښتونو عوض به څوك ورکوي ؟ او هم ددوې د هغه نو وخت تلافي به څنگه کېږي چې په خپل کمپاین کې یې لگولي او اوس یې له نتیجې څخه یې برخې کېږي ددنیا د هیڅ په ټاکنیزو قوانینو کې ددې اجازه نشته چې د نهایي لست له اعلان وروسته دې څوك د ټاکنو له بهیر څخه وویستل شي او د هغه لخوا لگول شوي وختونه او مصارف دې ضایع شي.

همدارنگه که چېرې دوسله والو گروپونو سره تړاو لرل جرم وي او دیو چا د مدني حقوقو او نورو حقوقو مانع گرځي نو د کورنیو چارو پخوانی وزیر د امریکا هېواد له مسولینو سره د اړیکو په نوم د وسله والو گرویونو جوړولو پروگرام خوهم بیا یو غیر قانوني عمل وو، ولې ورته اجازه ورکول کېده او ددولت له چوکاټ څخه بېرون د داسې وسله والو گرپونو جوړول مطرح کېدل چې ددولت له مخالفینو سره وجنگیږي یو غیر قانوني عمل وو.

دا صحیح ده چې په یو هیواد کې له دولت پرته وسله والو گروپونو شتون د هیواد دځمکنی بشپړتیا ،سر تا سري امنیت او خپلواکی ته گواښ وي او باید داسې گروپونه له مینځه یوړل سي څود حکومت په وړاندې گواښونه کم شي. خو عجیبه داده چې هلته یې جوړل اړین دي او دلته یې په تورن کېدلو سره د ټاکنو له بهیر څخه د یو چا دویستلو د لیل او لامل گرځي ، هغه د چا خبره یو بام او دوه هوا !

داخبره په خپل ځای صحیح ده چې باید ددولت سره موازي وسله وال ځواکونه او گروپونه نه اوسي، خو داحق د ټاکنو خپلواك کمیسون او دولت ته په مجموع کې هغه مهال حاصل وو چې وروستی لست یې لا اعلان کړی نه ووانوماندانو خپل کمپاین پیل کړی نه وو، اوس چې د ټاکنو پروسه په نیمایي پړاوکې ده ، دداسې اعلانونو څخه مقصد له دې پرته بل څه نه شي کېدای ،یو چې یو شمیر هغه نوماندان چې حکومت یې مخنیوی کول غواړي په دې وېره کې په غورځوولو سره له خپل کمپاین څخه یې پرواو گرځولی شي او ورته د شکونو په پیداکولو سره د پارلماني ټاکنو د ځنډیدو او وروسته کولو پلو یتوب ته وهڅولی شي او پدې ترتیب سره هغوي پدې پروسه زړه نازړه توگه باوروکړي او په مقابل کې یې حکومت بیلوي نوماندانوته لاره په یو غیر مستقیم توگه پرانستل شي . د ټاکنو خپلواك کمیسون او هم د شکایتونو کمېسون باید د خپل هر دریځ قانوني او حقوقي اړخ وڅېړي او بیا دې مواقف ونیسي .څکه ددوی له بل هر څه څخه زیات رسالت دادی چې د ټاکنو شفافیت تضمین کړي.

در سال ۲۰۱۰ جمعیت جهان شش میلیارد و هشتصد میلیون نفر تخمین شده است

عصاح سعب



براساس سرشماری عمومی که در ۶۰ کشور جهان در سال ۲۰۱۰ صورت گرفته است، جمعیت جهان را شش میلیارد و هشتصد میلیون نفر وانمود کرده اند. گفته می شود که بعد از سرشماری سال ۲۰۰۰ میلادی، هشتصد میلیون بر نفوس جهان افزوده شده است.

به گزارش رسانه ها، شعار امسال روز جهانی جمعیت، « همه افراد، مهم هستند» عنوان شده است.

این سرشماری، نفوس کشور های پیشرفته را یک میلیارد و دوصد میلیون نفر، و جمعیت کشورهای در حال توسعه و فقیر را پنج میلیارد و ششصد میلیون نفر تخمین کرده است.

گفته می شود، سرشماری که ده سال قبل یعنی در سال ۲۰۰۰ در چین انجام شده بود، آن کشور با داشتن یک میلیارد و سه صد میلیون نفوس پرجمعیت ترین کشور در جهان است. چین قصد دارد امسال سرشماری عمومی انجام دهد که شش میلیون و پنجصد هزار نفر مامور برای این کار استخدام و توظیف شده اند. همچنان واتیکان با داشتن حدود ۸۰۰ نفر، کم جمعیت ترین کشور مستقل در جهان است.

قراری که گفته می شود، در سال ۱۳۵۷ تعداد نفوس افغانستان به ۱۲ میلیون نفر می رسید. اما مسوولین احصائیهٔ مرکزی به اساس بررسی های سال ۱۳۸۷ نفوس کشور را ۲۶ میلیون وانمود کرده اند در حالی که موسسات و نهادهایی که از وضعیت بد افغانستان استفاده می کنند و بودجه هایی هنگفتی را به نام سرشماری به طریقه های مختلف به دست می آورند آن ها نفوس این کشور را حدود ۳۵ میلیون خوانده اند. قراری که تخمین شده حدود پنج میلیون نفوس افغانستان به کشورهای دیگر مهاجر و پناهنده اند.

آگاهان امور عدم راه اندازی نفوس شماری را دلایل مشخص سیاسی عنوان می کنند که باعث شده احصائیهٔ درست را باشندگان این کشور در دست نداشته باشند. دیده می شود که دو انتخابات ریاست جمهوری و شورای ولایتی و یک انتخابات پارلمانی را پشت سر گذاشتیم و در آستانهٔ انتخابات دوم مجلس نمایندگان قرار داریم اما احصائیهٔ باشندگان این کشور از نظرها پنهان است. این مشکل و سردرگمی یی است که راه به سوی تقلب باز می کند و از منطقه یی که هزار فرد واجد شرایط رأی دهی باشند، هرگاه ده هزار رأی به صندوق ها واریز شود صدایی بلند نمی شود، چون آماری در دسترس نیست که اعتراضی صورت گیرد.

کودتای داودخان در تحولات سیاسی...

گروه ها و احزاب با گرایش های سیاسی داشتند، با استفاده از آزادی های داده شده در قانون اساس ۱۳۴۳ هـ ش به مناسبت های سیاسی خویش ادامه و نهضت اسلامی افغانستان با بهره گیری از قواعد بازی سیاسی حاکم در آن وقت، به حیث یک حرکت پیشرو و رو به گسترش، پایگاه مردمی که داشت، زمام ابتکار این بازی ها را به دست گرفته و به حیث یک بازیگر فعال در صحنهٔ سیاسی افغانستان به حیات خود ادامه داد.

کودتای داود خان در چنین حال و هوایی پا به صحنه گذاشته و در حقیقت تیشه یی بود بر ریشهٔ حرکت های سیاسی و مردمی نهضت اسلامی افغانستان با شناخت فراگیر از جامعهٔ خویش و طرح شعار استوار بر پیشنهٔ تاریخ و باورها و معتقدات رهائی بخش این ملت در پیشاپیش این همه حرکت ها قرار گرفته بود.

قانونمندی حرکت های تاریخی گویای آن بود که انقلاب فراگیر مبنی بر ارادهٔ توده های مردمی در آبستن است و مادر ملت در حال زایمان چنین انقلاب قرار دارد.

اما کودتای داود خان مشهور به «سردار دیوانه» با روح و روان دکتاتور منشانه ای که با شخصیت او عجین شده بود و با روح ناسازگاری با حرکت های اسلامی که از طریق آفرینش با عوامل اردوگاه مارکسیزم بر شخصیت او حاکمیت داشت. کودتای ۱۳۵۲ را سروسامان داد و آزادی های سیاسی را خفه کرده و فعالان نهضت اسلامی و سائر شخصیت های مردمی از جمله محمد هاشم میوندوال را به شهادت رسانید.

داود خان با این کودتای خود همه حرکت های سیاسی را سرکوب نموده و با این عمل خویش همه زبان ها را قطع و زمنیه ساز آن شد که عمال وابسته به حرکت های استخباراتی شوروی آزادانه ثبات و اهداف شوم شان را در پیوند به حرکت های مردمی در رأس نهضت اسلامی افغانستان جامه عمل بپوشانند کاری که پیامدهای آن در تاریخ سیاسی چند دههٔ اخیر بر هیچکس پوشیده نیست.

نکتهٔ مهمی که در این نوشتار به بهانهٔ سالگرد کودتای ۲۶ سرطان - باید بر آن تمرکز شود این است که عناصر و جریان های ناآگاه از هویت ملی و فاقدان الگو در بینش و حرکت خویش، در پی الگو های پنداری اند، الگو های واقعی و سربازان راه افتخارات این میهن را به خاک فراموشی می سپارند و در پی دریافت استخوان های کسانی اند که تاریخ زندگی آن ها را تحکیم قدرت، خود محوری وزور گوئی تشکیل داده و زخم های ناسور پیکر این ملت، پیامد اعمال نا عاقبت اندیشانه و خودخواهانهٔ آن ها است که تا هنوز ملت از دشنه های زورگویی آنان در آه و فریاد است.

نکتهٔ دیگری که بر نکته یاد شده باید افزود این که به حکم عقل و خرد انسان نباید هیچ شخصیت و گروهی را یکسره به تیر محکومیت بست، همان گونه که از عقل به دور خواهد بود تا شخص و یا حرکتی را در کرسی معصومیت قرار داد.

باید بر بنیاد معیار های اشخاص و حرکت در چارچوب مصالح و منافع مادی و معنوی ملت نشست.

آری!در چار چوبی چنین پیشبینی می توان شخصیت ها و حرکت ها لقب های حماسه آفرین، قهرمانی و الگو بودن را اهدا کرد و از کسانی آن ها را دریغ کرد.

بگذار تا به کرسی حق داور زمان

آیا افزایش اختیارات شوراهای...

سراسر کشور و شخصیت های مطرح و مصلح در آن شامل خواهند شد، ایجاد می شود. تا در این راستا کار شود و مردم ما بتوانند به دور از مخالفت ها، در آرامش کامل حیات بسر برند. معلوم نیست که این تفویض صلاحیت به شوراهای ولایتی از جانب ارگان های محل، با شوراهایی که ایجاد شده چه همخوانی دارد؟ و نشود که دادن صلاحیت تماس با مخالفین به شوراهای ولایتی ولایات مشکل دیگری را در کشور ایجاد کند و سوراخ های دیگری به نام تماس با مخالفین ایجاد شود که آن گاه جلوگیری آن برای دولت و ارگان های امنیتی و دفاعی کشور را مشکل خواهد ساخت.

نظر به قانون، در کشورما سه مرجع نظارت کننده (شورای ملی، شورای ولایتی و شورای ولسوالی) است که اولی نظارت از کارکردهای قوهٔ اجرائیه، دومی نظارت از واحد های اداری در ولایات و سومی که باید از واحد های اداری ولسوالی نظارت نماید، اصلاً تا حال روی هر ملحوظی انتخابات صورت نگرفته و نماینده یی منتخب ندارند. در ولایات هم طی پنج سال گذشته نمایندگان شوراهای ولایتی نظارت چندانی که مورد پذیرش والیان ولایات باشد، نداشتند. در صورت تحقق یافتن صلاحیت هایی که جدیداً عنوان شده، تنش های را بین شوراهای ولایتی و مسوولین واحدهای اداری ولایات بدنبال خواهد داشت.

به گفتهٔ مسوول ادارهٔ ارگان های محل، برای پیاده کردن برنامه های که این اداره در مذاکره با مخالفین مسلح روی دست گرفته است ۱،۳ میلیارد دالر امریکایی درنظر گرفته شده، که در کنفرانس کابل پیشنهاد می گردد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سیزدهم ۲۶ سرطان ۱۳۸۹ ۵ شعبان المعظم ۱۴۳۱ - 17 july 2010

کودتای داودخان در تحولات سیاسی افغانستان



سید عنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

تاریخ هر کشور و ملتی آئینهٔ تمام نمای حوادث و بازیگران آن ها، ظهور و زوال ها، فراز و نشیب ها، حماسه ها و حماسه زدائی ها، قهرمان ها و قهرمان سازی ها والگو ها و الگوکشی ها بوده گوئی دیگر آن مدینهٔ فاضلهٔ افلاطون و فرمان روای فرهمند ایده الی آن در تاریخ سیاسی بشر، جای خود را به تصور شهریار ماکیاول داده است.

تاریخ ملت ماهم از چنین جریانی مستثنی نبوده و بازیگران عرصهٔ سیاست آن و پیچ و خم همچو یک کوچه در تک و تاز اند.

آری! استبداد و استبداد ستیزی در این کشور تاریخ دور و دراز داشته و در گونه های مختلف چهره نمایی کرده است.

این استبداد سیاسی زمانی در نظام های شاهی و ملوکانه به حیات خویش ادامه داده و گاهی هم در شکل نظام های به اصطلاح جمهوری به جلوه نشسته است.

کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ که در پایان دهه چهارم خود قرار دارد. در تاریخ این کشور، در چارچوب چنین بینش از تحولات سیاسی افغانستان می توان بخوانش گرفت.

نظام شاهی پیش از کودتای ۲۶ سرطان سردار محمد داود با آن که نظامی بود استبدادی و تاریخ زده اما بازهم در اثر فشار حرکت های استبداد ستیزانه مردم در تاریخ این مرزوبوم، زمینه های تنفس حیات سیاسی وجود داشته و ص ۷

آیا افزایش اختیارات شوراهای ولایتی تحقق خواهد یافت؟

* فیض *

هفتهٔ گذشته با اشتراک نمایندگان تعدادی از ولایات کشور، به منظور نماینده گی بهتر و سهیم شدن شورای های ولایتی درامر بازسازی و فراهم کردن زمینه مصالحه میان مخالفین مسلح دولت و حکومت افغانستان از سوی اداره ارگان های محلی در کابل برگزار شده بود.

در این نشست نقش شوراهای ولایتی را در خصوص فراهم کردن زمینه مصالحه با مخالفین مسلح دولت، برنامه جدید حکومتداری محلی بهتر، ارایه معلومات در قسمت سیستم اداری و مالی و توسعهٔ اجتماعی بحث وتبادل نظر صورت گرفت.

گفته می شود، در این گردهمایی نمایندگان ولایات دایکندی ،سرپل، سمنگان، تخار، غور، کندهار، پکتیکا و هرات اشتراک کرده بودند.

رئیس ارگان های محل، هدف عمدهٔ این نشست را بحث روی برنامه های استراتژی جدید ارگان های محلی، نقش آنان در راستای توسعه حکومتداری محلی بهتر، طرزالعمل ها و چالش های عمدهٔ شوراهای ولایتی در ولایات بحث وتبادل نظر نمایندگان، عنوان نمود.

آنچه در این نشست از سوی مسوول ارگان های محل عنوان شده است تفویض صلاحیت به شوراهای ولایتی که از زیر مجموعه هایی این ارگان است، گفته شده بعداز این درتطبیق برنامه های کاری شان در تمام امور نقش کلیدی خواهند داشت. و می توانند کارکردهای مسوولین دولت را در ولایات نظارت نمایند.

با تجربهٔ که مردم ما از برخورد حکومت و شورای ملی طی پنج سال دارند بارها دیده و شنیده شده که فیصله ها و تصامیم مجلس نمایندگان ولو که صبغهٔ قانونی داشته از جانب رئیس حکومت که مجری قانون است رد و ناشنیده باقیمانده است. چگونه می توان با چنین وضعیتی که آب از سرچشمه گل آلود است، این صلاحیت را به شوراً های ولایتی داد. در حالی که در قانون هم در این زمینه اشارتی نرفته است. چگونه می شود از جانب نمایندگان حکومت در ولایات و ولسوالی ها، فیصله های شورا، جنبهٔ عملی به خودبگیرد و مشکلی بالای مشکل ایجاد نشود.

از جانب دیگر رئیس ادارهٔ ارگان های محل به شوراهای ولایتی وظیفه می دهد که، یکی از کارکردهای شورای ولایتی فراهم کردن زمینه مذاکره با مخالفین مسلح دولت است و این می تواند در نقش شوراهای ولایتی با تفاهم بین دولت و مخالفین مسلح موثر تمام شود.

این برنامهٔ خوبی است تا همه باشندگان کشور به خاطر آوردن صلح و زیستن در یک فضای امن و زیست باهمی سعی و تلاش به خرج دهند و امنیت سراسری حاکم شود. اما چند سال است نهادی به خاطر تماس و پذیرش مخالفین به نام" ادارهٔ تحکیم صلح " ایجاد شده و همچنان بعد از جرگهٔ ملی مشورتی صلح که به اشتراک ۱۶۰۰ تن از سراسر کشور در مرکز کابل دایر گردیده بود به نام " شورای عالی صلح " که گفته می شود دارای یکصد عضو از ص ۷

۳۶ درصد شهروندان افغانستان معروض به فقر شدید اند

عنایت

اواسط هفتهٔ گذشته راپور ارزیابی ملی که در بارهٔ تحلیل وضعیت فقر درکشور بود از سوی وزارت اقتصاد با همکاری بانک جهانی به نشر رسید.

ارزیابی ملی خطرات آسیب پذیری فقر برای سال های ۱۳۸۶ و۱۳۸۷ نشان می دهد که میزان فقر در کشور ۳۶ فیصد می باشد.

این گزارش نشان میدهد که ۹ میلیون انسان در کشور قادر نیستند که نیازمندی های اولیه خود را رفع بسازند.

در مراسمی که به همین مناسبت در وزارت اقتصاد تدویر یافته بود، مقامات دولت ونمایندگان کشورهای بیرونی وضعییت فقر، عوامل و راه های بیرون رفت آن را به تحلیل گرفتند.

عبدالهادی ارغندیوال وزیر اقتصاد با هماهنگی بین دولت افغانستان وکشور های کمک کننده در امر مبارزه با فقر ونابودی آن تأکید کرد.

معمولاً نشر ویا گزارش اسناد فقر در کشورهای آسیب پذیر هنگامی به نشر می رسد که دست اندر کاران امور با توجه به تبعات وچشم انداز خطیر آن، اقداماتی مؤثری را برای رفع ونابودی وی بر میدارند.

اما هنوز معلوم نیست که دولت افغانستان برای فقر زدایی برنامه های مشخصی دارد یا خیر؟

به گفتهٔ وزیر اقتصاد نشر این گزارش در حالی صورت می گیرد که کابل درآستانهٔ برگزاری کنفرانس بین المللی قراردارد.

انتظار می رود که دولت افغانستان با استناد این گزارش برنامه های مشخصی را با نمایندگان ۷۰ کشور ونهاد بین المللی مطرح سازند.

این گزارش تمام ولایات افغانستان را به پنج بخش تقسیم می کند که دراین میان در برخی ولایات سطح فقر پائین بوده وکمتر از ۲۰ فیصد نفوس شان بی بضاعت می باشند.

این ولایات شامل ولایت هلمند در جنوب، فراه در غرب،جوزجان درشمال و ولایت بغلان در شمال شرق می باشند.

ولایاتی که میزان فقر در آن ها بیشتر می باشند عبارت اند از پکتیا، پکتیکا، لوگر ومیدان وردک در مناطق جنوبی ومرکزی.

ولایا ت بدخشان، دایکندی وبا میان نیز از جمله ولایاتی هستند که میزان فقر در آن ها بیشتر موجود است.

تغییرات فصلی، نبود سیستم حمل ونقل به موقع، نبود کار واشتغال داوامدار ، بی سوادی خانواده ها، رشد سر سام آور نفوس در خانواده های کم درآمد، چالش های امنیتی... عامل های اساسی ازیاد فقر در این گزارش شمرده شده است.

آگهی

دفتر هفته نامهٔ مجاهد از بهارستان به چهارراه دهمزنگ، به استقامت سرک دارالامان، دست چپ، نرسیده به هوتل کابل شاهان، انتقال نموده است. خوانندگان عزیز مطلع باشند.

ادارهٔ هفته نامهٔ مجاهد